

## Tax Evasion Methods and Earning Quality; Focusing the Governmental Ownership<sup>1</sup>

Hadi Shayesteh<sup>2</sup>, Alahkaram Salehi<sup>3</sup>, Saeed Nasiri<sup>4</sup>,  
Mohammad khodamoradi<sup>5</sup>

Received : 2020/11/09  
Approved: 2021/02/13

Research Paper

### Abstract

Tax is one of the main legal costs that individuals and firms incur due to their income-generating activities. According to agency theory, one of the motivations for profit management is to reduce tax liabilities and payments by minimizing the effective tax rate. The purpose of this study is to investigate the effect of tax evasion methods on the earning quality. The sample consists of 190 firms listed in Tehran Stock Exchange in the period from 2009 to 2018. Tax evasion methods in this study include tax avoidance, tax evasion and tax profit sustainability. To measure the earning quality, the income-smoothing criterion is used. Hypotheses are tested using the panel data and fixed effects statistical methods through linear regression of ordinary least squares and applying Eviews10 software. The results show that tax evasion, tax avoidance and tax profit sustainability have a significant negative effect on earnings quality and the moderating variable of governmental ownership mitigates this effect.

**Keyword:** Earning quality, tax evasion, Tax avoidance, tax profit sustainability, Type of ownership

**JEL Classification:** D82,H26,M41.

- 
1. DOI: 10.22051/JERA.2021.33808.2754
  2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.(Hadi.shayesteh@yahoo.com)
  3. Assistant Professor Department of Accounting, Masjed Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed Soleiman, Iran. Corresponding author. (A\_k\_salehi@iaumis.ac.ir)
  4. Assistant Professor Department of Accounting, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz Iran. (saeed-nasiri@iauhvaz.ac.ir)
  5. Assistant Professor Department of Statistics and Mathematics, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran. (mohammad\_moradi@iauizeh.ac.ir)
- <https://jera.alzahra.ac.ir>

تأثیر روش‌های گریز از مالیات بر کیفیت سود با تأکید بر مالکیت دولتی<sup>۱</sup>هادی شایسته<sup>۲</sup>، اله کرم صالحی<sup>۳</sup>، سعید نصیری<sup>۴</sup>، محمد خدامرادی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

مقاله پژوهشی

## چکیده

مالیات یکی از مهمترین و عمده‌ترین هزینه‌های قانونی می‌باشند که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود، متحمل می‌شوند و براساس تئوری نمایندگی، یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش تعهدات و پرداخت‌های مالیاتی از طریق کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیات است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر روش‌های گریز از مالیات بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۷ با نمونه‌ای شامل ۱۹۰ شرکت می‌باشد. روش‌های گریز از مالیات در این پژوهش شامل اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی می‌باشد. همچنین برای اندازه‌گیری کیفیت سود، از معیار هموارازی سود استفاده شده است. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش آماری داده‌های ترکیبی و اثرات ثابت از طریق رگرسیون خطی حداقل مربعات عادی توسط نرم‌افزار ایویوز ۱۰ انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی و پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر منفی و معناداری دارد و متغیر تعدیلگر مالکیت دولتی، این رابطه منفی را تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی، پایداری سود مالیاتی، مالکیت دولتی.

طبقه‌بندی موضوعی: D82, H26, M41.

10.22051/JERA.2021.33808.2754 .DOI ۱

۲. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، (Hadi.shayesteh@yahoo.com).

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران، (نویسنده مسئول)، (a.k.salehi@iaumis.ac.ir).

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، (saeed-nasiri@iauhvaz.ac.ir).

۵. استادیار، گروه آمار و ریاضی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران، (mohammad\_moradi@iauizeh.ac.ir).

https://jera.alzahra.ac.ir

## مقدمه

در اکثر کشورها بخش عمده‌ای منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم دولت‌ها از کل درآمدهای عمومی در کشورها متفاوت است. در این میان سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات در اکثر کشورها باعث شده است تا درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت‌ها پژوهشگر نشود. بنابراین هدف غایی این سیاست‌ها مدیریت کامل سود به منظور اختفا نتایج واقعی عملکرد مالی و کاهش مالیات‌های پرداختی است. سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، فعالیت‌هایی هستند که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نمایند؛ از آنجا که هزینه‌ی مالیات یکی از مهمترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و از جمله هزینه‌های برگشت‌نشده و یا ریخته‌شده قلمداد شده و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیئت‌مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد، بنابراین اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تقلیل‌دهنده از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. ارتباط و تأثیر هزینه‌های مالیات و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی از دیدگاه تئوری نمایندگی نیز تفسیر و تعبیر می‌شود؛ بطوری که هیئت‌مدیره همواره بدنبال منافع خود و حداکثرسازی آن است و الزاماً در جهت منافع سهامداران و دولت نیست، بنابراین ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاستی تقلیل‌دهنده خاص مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید (گاربارینو، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لنیس و ریچارلسو و اوسیمک، ۲۰۱۱).

در واقع روش‌های گریز از مالیات انعکاسی از تئوری نمایندگی است از این جهت که حق تصمیم‌گیری از طرف مالکین به مدیران واگذار می‌شود و مدیران نیز در تلاش هستند تا هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و با گزارشگری مالی مناسب عملکرد خود را مطلوب و به خوبی منعکس کنند. بنابراین براساس دیدگاه قراردادی که بین پاداش مدیران و سود گزارش شده رابطه مستقیمی تعریف می‌کند، مدیران انگیزه لازم را برای مدیریت سود خواهند داشت، که مهمترین انگیزه‌های مدیریت سود گریز از پرداخت مالیات می‌باشند (گادفری و هادسون، ۲۰۱۳؛ دیگان، ۱۹۶۰).

از طرفی پژوهشگران زیادی به ابعاد مختلف کیفیت سود پرداخته‌اند. از دیدگاه دیچو و همکاران (۲۰۱۰) سودهای با کیفیت بالاتر، سودهایی هستند که اطلاعات بیشتری را پیرامون عملکرد مالی یک شرکت در رابطه با یک تصمیم‌گیری خاص توسط یک تصمیم‌گیرنده خاص، فراهم می‌نمایند. با وجود معیارهای متفاوت برای سنجش کیفیت سود، ولاری و جنکینز (۲۰۰۶) معتقدند که قدرت پیش‌بینی سود از اهمیت بیشتری برخوردار است، چون سرمایه‌گذاران می‌توانند از آن به عنوان معیاری برای ارزیابی ارزش شرکت و همچنین پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی استفاده نمایند. قدرت پیش‌بینی سود به عنوان میزان سودی که سرمایه‌گذاران می‌توانند بر اساس اطلاعات تاریخی، سود و جریان‌های نقدی آتی را پیش‌بینی نموده و در آن سهم باشند، تعریف می‌شود (الدماری و اسماعیل، ۲۰۱۳)؛ اما فعالیت‌هایی مانند محافظه‌کاری، مدیریت سود و سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات که نتیجه انعطاف‌پذیری روش‌های حسابداری، انگیزه‌های مالیاتی، شکاف‌های قانونی و همچنین روحیه فرصت‌طلبی مدیران می‌باشد ممکن است بر کیفیت سود تأثیر گذاشته و قدرت پیش‌بینی سود را کاهش دهد، زیرا یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش پرداخت‌های مالیاتی است (ابراهیمی و احمدی مقدم، ۱۳۹۵؛ پورحیدری و شفیع‌هی همت آباد، ۱۳۹۲؛ دسای و دارماپالا، ۲۰۰۷؛ ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲؛ مک گوایرو و همکاران، ۲۰۱۳؛ هاتچرز و ریگو، ۲۰۱۵).

مالکان نهادی و دولتی از جمله مالکان بسیار تأثیرگذار در ساختار مالکیت شرکت هستند که می‌توانند عملکرد و سایر امور شرکت را تحت تأثیر قرار دهند مالکان نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیرومند را بازنمایی می‌کنند؛ زیرا می‌توانند نفوذ چشمگیر بر مدیریت داشته و منافع مدیریت را در جهت همه ذی‌نفعان هم جهت نمایند.

ساختار مالکیت نیز می‌تواند بر خروج جریان‌های نقدی، تأثیر بگذارد. نظارت کارآمد سهامداران بزرگ می‌تواند اختیارات بیش از اندازه مدیریت و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه خروج منابع و جریان‌های نقدی را کاهش دهد. از طرفی در ایران مالکیت دولتی، بخش‌های کلیدی اقتصاد ملی را در دست دارد، مالکیت دولتی می‌تواند ابزار تجاری‌سازی فناوری جدید که پیچیده، حیاتی و یا گران هستند را فراهم کند. شرکت‌های زیادی وابسته به دولت و نهادهای دولتی در بازار بورس تهران وجود دارد. این در حالی است که کنترل منابع زیربنایی و مهم در دست دولت و نهادها و شرکت‌های وابسته به آن است و این نهادها نتوانستند حق سهم بیشتری در کل بازار سرمایه‌گذاری‌ها و از جمله فرایندهای ایجاد ارزش داشته باشند.

اما مالکیت دولتی رابطه منفی با عملکرد بیشتر شرکت‌های بورسی داشته است (اکبرنژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

از جنبه‌های با اهمیت این پژوهش، می‌توان به وجه تمایز آن با پژوهش‌های پیشین اشاره نمود. در پژوهش‌های قبلی پژوهشگران بیشتر به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با عملکرد (مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶)، ارزش (عابدی و صفری گرایلی، ۱۳۹۵)، جبارزاده کنگرلویی و همکاران، ۱۳۹۵ و دیانتی و شکراللهی، ۱۳۹۴) و مدیریت سود (جهانشاد و محمدی پور، ۱۳۹۴، ابراهیمی و احمدی مقدم، ۱۳۹۵) پرداخته‌اند، اما این پژوهش درصدد هست که به بررسی روش‌های گریز از مالیات از قبیل فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی و پایداری سود مالیاتی با کیفیت سود بپردازد. همچنین با توجه به اهمیت روزافزون مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی و درآمدی دولت، شناخت راه کارهای کاهش پدیده مخرب گریز مالیاتی که موجب اختلال در وصول کامل مالیات و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود نیز اهمیت بسیاری دارد و با عنایت به اجرای نهایی طرح جامع مالیاتی و تأکید بر حسابرسی مبتنی بر ریسک و با استناد به ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳۱/تیر/۱۳۹۴ مبنی بر تأیید اظهارنامه‌های دارای ریسک پایین بدون حسابرسی رعایت متغیر کیفیت سود می‌تواند اساسی‌ترین محرک شناسایی این ریسک قلمداد شود.

همچنین مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند؛ در این راستا اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی با استفاده از نابرابری اطلاعاتی میان مودیان مالیاتی و سازمان امور مالیاتی ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آنها استفاده نمایند (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۷ و عسکری و عظیمی، ۱۳۹۷)، مدیران شرکت‌های دولتی به منظور گزارش عملکرد مطلوب شرکت و در جهت جلوگیری از خروج وجه نقد ناشی از مالیات و متعاقب با آن دریافت پاداش بیشتر و همچنین تضمین تداوم تصدی مدیریت خود و با توجه به اینکه سهم دولت از شرکت‌های بورسی نسبتاً بالا بوده است اقدام به دستکاری سود نموده و بنابراین ضرورت داشت تا به بررسی تأثیر نقش مدیران این شرکت‌ها در خصوص اجتناب و فرار مالیاتی و اعمال دستکاری سود پرداخته شود و با عنایت به مطالب پیش گفته و از آنجایی که مدیران ممکن است با هدف کاهش مالیات پرداختی از طریق اعمال سیاست‌های تقلیل دهنده مالیات، از یک طرف مبادرت به کاهش سود مشمول مالیات نموده و از طرف دیگر کیفیت سود شرکت را تحت تأثیر قرار دهند بگونه‌ای که با هموار نمودن تصنعی سود، موجب کاهش قدرت پیش‌بینی سود گردد، پژوهشگر را بر آن داشته است که در این پژوهش به بررسی مشکل فوق در بازار سرمایه ایران بپردازد.

## مبانی نظری پژوهش

### روش‌های گریز از مالیات

پرداخت مالیات یکی از منابع اصلی تأمین درآمد هر کشوری است، اما شرکت‌ها معمولاً سعی بر آن دارند تا از پرداخت مالیات خود اجتناب کنند (ناظمی و پورعنقا، ۱۳۹۷). به سخن دیگر، مدیران با استفاده از روش‌های گریز از مالیات، اقدام به دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نمایند. از جمله این روش‌ها می‌توان به فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی و پایداری سود مالیاتی اشاره نمود. از لحاظ رفتار اقتصادی مودیان مالیاتی، بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی شباهت‌های زیادی وجود دارد، فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات، هر دو به منظور گریز از پرداخت مالیات صورت می‌گیرند. اما تفاوت اساسی این دو آن است که اجتناب از مالیات یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین است به این معنا که عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات‌ها و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند، در حالی که فرار مالیاتی، رفتاری غیرقانونی و یک نوع تخلف از قانون است (حامدیان و همکاران، ۲۰۱۴). برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده بهینه از ابزارهای قانونی و نیز مشوق‌ها و معافیت‌های ارائه شده توسط دولت به منظور کاهش مالیات پرداختی و یا معاف شدن از پرداخت مالیات می‌باشد (پاک مرام و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۱). پایداری سود مالیاتی بیانگر این موضوع است که چه مقدار یا چند درصد از سود مشمول مالیات سال جاری در سال بعد نیز پایدار خواهد ماند (دیچو و اسچراند، ۲۰۱۰: ۱۴۵). پایداری مالیاتی، استراتژی‌ای است که در نتیجه‌ی آن سود قبل از کسر مالیات تغییرات کمی دارد (دایرننگ و همکاران، ۲۰۱۴) و بر حفظ و نگهداری نتایج اجتناب مالیاتی در طول زمان متمرکز است. پایداری مالیاتی به معنای پایداری در سود بعد از کسر مالیات و قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است که در بلندمدت برای شرکت ایجاد ارزش می‌نماید (مک گوایر و همکاران، ۲۰۱۳).

### کیفیت سود

نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل‌گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنان احساس می‌کردند سود گزارش شده قدرت سود را آن چنان که در ذهن مجسم می‌شود نشان نمی‌دهد (امیری و همکاران ۱۳۹۳). علیرغم اهمیت کیفیت سود به عنوان معیاری مهم برای تعیین سلامت مالی واحد تجاری و نیز ابزاری برای اعتماد بخشی به سرمایه‌گذاران در

بازارهای مالی نابسامان، ادبیات موجود در زمینه کیفیت سود هنوز به یک اتفاق نظر کلی در زمینه تعریف کیفیت سود دست نیافته است. برای کیفیت سود در ادبیات تئوری و تجربی حسابداری تعاریف زیادی ارائه شده است اما متأسفانه، اجماعی در بین پژوهشگران بر روی تعریفی یگانه از کیفیت سود وجود ندارد (قمرالدین و اسماعیل، ۲۰۱۴). در تحقیقات انجام شده بطور کلی دو نوع تعریف از کیفیت سود ارائه شده است:

نوع اول، کیفیت سود را درجه‌ای از مقدار سود می‌داند که واقعیت اقتصادی شرکت را منعکس می‌کند (دیچو و اسپرانند، ۲۰۰۴، چان و همکاران، ۲۰۰۶ و هوج، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، کیفیت سود بدان معنی است که گزارشات مالی دقیق و صحیح هستند و بصورت بی‌طرفانه عملکرد و موقعیت مالی شرکت را بیان می‌کنند. در این تعریف، رابطه بین سود و جریان نقد نزدیک به هم هستند و به عنوان کیفیت بالا در نظر گرفته می‌شود زیرا سودها ممکن است به وسیله اقلام تعهدی دستکاری شده باشند. نوع دوم، نوع دیگر از تعریف سود، سود را به عنوان درجه‌ای از پایداری سود برای دوره بعد در نظر می‌گیرد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۶، رساین و همکاران، ۱۹۹۹). در این تعریف، پراکندگی و نوسان زیاد سود به عنوان کیفیت پایین سود در نظر گرفته می‌شود زیرا عدم اطمینان از سود نوعی ریسک برای عملیات شرکت محسوب می‌شود و هزینه سرمایه را افزایش می‌دهد. دیچو و اسپرانند (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که مقدار سود با کیفیت بالای شرکت، دقیقاً عملکرد جاری شرکت را منعکس می‌کند و شاخص خوبی برای پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت می‌باشد. آن‌ها همچنین نشان دادند که سود با کیفیت بالا باید به سهولت قابل تبدیل به وجه نقد باشد.

دیچو و همکاران (۲۰۱۰) کیفیت سود را با بهره‌گیری از بیانیه شماره یک هیئت استانداردهای مالی آمریکا، بدین گونه تعریف کردند «سودهای با کیفیت بالاتر، سودهایی هستند که اطلاعات بیشتری را پیرامون عملکرد مالی یک شرکت در رابطه با یک تصمیم‌گیری خاص توسط یک تصمیم‌گیرنده خاص، فراهم می‌نماید.» آن‌ها برای این تعریف سه ویژگی مشخص به شرح زیر تعیین کردند:

اول، کیفیت سود مشروط به رابطه تصمیم با اطلاعات است. براساس این ویژگی، واژه «کیفیت سود» به تنهایی بی‌معناست. بنابراین کیفیت سود تنها در چارچوب یک مدل تصمیم‌گیری خاص تعیین و تعریف می‌گردد. دوم، کیفیت ارقام سود گزارش شده به آگاهی‌دهندگی آن در رابطه با عملکرد مالی شرکت مربوط است. یعنی بستگی به این دارد که این رقم حاوی اطلاعاتی

پیرامون عملکرد مالی بنگاه اقتصادی است یا خیر، و متاسفانه بسیاری از جنبه‌های آن قابل مشاهده نیست. سوم، کیفیت سود بطور مشترک توسط مربوط بودن عملکرد مالی مورد بحث برای تصمیم‌گیری و توانایی سیستم حسابداری برای اندازه‌گیری عملکرد تعیین می‌گردد. آن‌ها در پژوهش خود به نتیجه واحدی از اینکه کیفیت سود چیست، دست نیافتند؛ زیرا از نظر آنان کیفیت سود به اقتضای شرایط تصمیم‌بستگی دارد و تابعی از عملکرد اصلی (اقتصادی) شرکت است (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰).

### روش‌های گریز از مالیات و کیفیت سود

یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش پرداخت‌های مالیاتی است (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۷). براساس فرضیه مدیریت سود، مدیران با دو هدف اقدام به استفاده از راه‌کارهای کاهش تعهدات مالیاتی و کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی می‌نمایند. یا در جهت منافع سهامداران و با انگیزه کاهش تعهدات مالیاتی (فیلیس، ۲۰۰۳) و یا در جهت منافع خود و با هدف فرصت‌طلبی نرخ مؤثر مالیات را پایین‌تر نشان داده و پرداخت‌های مالیاتی را کاهش می‌دهند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۷). بنابراین روش‌های گریز از پرداخت مالیات انعکاسی از تئوری نمایندگی است. گریز مالیاتی یا عدم تمکین به معنی عدم رعایت قوانین و مقررات مالیاتی کشور و در واقع فرار از پرداخت مالیات و یا پرداخت در موعد مقرر توسط مودیان مالیاتی است. از دیدگاه دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) مفهوم گریز مالیاتی را یک طیف وسیع از رفتارهای مالیاتی تعریف می‌کنند که یک سوی آن اعمال قانونی برای کاهش مالیات (اجتناب مالیاتی) و سوی دیگر آن اعمال غیرقانونی با هدف کاهش مالیات (فرار مالیاتی) قرار دارد. با این وجود روش‌های گریز از مالیات بر کیفیت سود کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است اما پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که روش‌های گریز از مالیات بر ارزش شرکت نتایج متفاوتی داشته است. برخی از این پژوهش‌ها شواهدی را ارائه نمودند که نشان می‌دهد روش‌های گریز از مالیات بر ارزش شرکت تأثیر منفی دارد (مانند دسای و همکاران، ۲۰۰۷، هانلون و اسلمرود، ۲۰۰۹، کیم و همکاران، ۲۰۱۱، میرونو، ۲۰۱۳). درمقابل نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر است (فریچمن و همکاران، ۲۰۰۸، هیلو همکاران، ۲۰۱۳، هسکن و همکاران، ۲۰۱۷) و برخی دیگر نیز حکایت از عدم وجود رابطه بین آنها دارد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). لو و نیسیم (۲۰۰۴)



و هانلون (۲۰۰۵) نشان دادند که اجتناب مالیاتی بیشتر به پیامد، رشد و پایداری سود کمتر در ارتباط است.

حضور سرمایه‌گذاران مختلف در ساختار مالکیت شرکت‌ها، بر نحوه حاکمیت و سیاست‌های شرکت اثرگذار است (انار و همکاران، ۲۰۱۴:۶۲). سازمان‌های دولتی و شبه دولتی با سرمایه‌گذاری قابل توجه در شرکت‌ها، کنترل آنها را به دست می‌گیرند و این اطمینان برای شرکت حاصل می‌شود که بانک‌ها و نهادهای دولتی، کسری وجه نقد آنها را تأمین خواهند نمود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). بنابراین شرکت‌های با مالکیت دولتی، به دلیل عدم نگرانی از کاهش نقدینگی، انگیزه کمتری برای استفاده از روش‌های گریز از پرداخت مالیاتی دارند. بنابراین انتظار می‌رود که استفاده از سیاست‌های مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت دولتی کمتر از شرکت‌های با مالکیت خصوصی باشد.

### پیشینه تجربی پژوهش

کورنیاسه و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود، حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اندونزی پرداختند. نتایج بیانگر تأثیر قابل توجه مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد. هرون و نهاتا (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیات و ارزش شرکت پرداختند و دریافتند که کاهش ارزش شرکت‌ها مربوط به اجتناب مالیاتی است. آنها چندین روش برای نشان‌دادن اثرات ارزشیابی نامساعد ناشی از اجتناب مالیاتی را شناسایی کردند. شرکت‌هایی که اجتناب مالیات می‌کنند (۱) محدودیت مالی دارند (۲) فاقد سود خارجی هستند (۳) مخارج سرمایه‌ای بالایی دارند که در دوره‌های انتظار بیشتر، ارزش کمتری دارند. نیفر و یوتز (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر مدیریت سود و ساسیت‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی بر ثروت سهامداران و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت سود بر ثروت سهامداران تأثیری ندارد، اما بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. همچنین ساسیت‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر مثبتی بر ثروت سهامداران دارد ولی بر ریسک سقوط قیمت تأثیری ندارد. نتایج پژوهش سبرینا و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد و حاکمیت شرکتی این رابطه مثبت را تقلیل می‌دهد. بن کریم و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی دریافتند که کیفیت سود بالا، روش‌های اجتناب مالیاتی شرکتی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این

آنها نشان دادند هنگامی که موسسات قانونی در سطح کشور قوی هستند، این رابطه تشدید می‌گردد. پریرا دی لیما و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه سیاست‌های متهورانه مالیاتی با پایداری سود و اجزای آن در شرکت‌های برزیلی در بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد هنگامی که شرکت‌ها براساس سیاست‌های متهورانه مالیاتی تفکیک شوند، پایداری سود براساس اجزای آن به صورت متفاوت ارائه می‌گردد. همچنین نتایج نشان داد در شرکت‌های با سیاست‌های متهورانه مالیاتی بیشتر، سود مشمول مالیات عامل تعیین‌کننده‌ای برای سود دفتری در دوره آتی است.

اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هموارسازی سود مشمول مالیات رابطه مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد ولی با محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد. صفری گرایلی و بودینه (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با به موقع بودن اعلان سود شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، سبب تأخیر در اعلان سود سالانه شرکت‌ها می‌گردد. غلامی کیان و فقیه (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت پیش‌بینی سود پرداختند، نتایج پژوهش حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی، قدرت پیش‌بینی سود را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، اگرچه اجتناب مالیاتی منجر به افزایش جریان‌های نقدی آینده گردیده، اما ممکن است به دلیل عدم قطعیت و تحقق آن از قدرت پیش‌بینی سود بکاهد. نتایج پژوهش اسلامی ذرعی و پورعلی (۱۳۹۷) مبنی بر تأثیر محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی بر ابعاد کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار نشان داد که محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی بر ابعاد کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارند. نتایج پژوهش محمدی نوده و کاکاعلی صومعه سرایی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر هموارسازی سود بر اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌ها نشان داد، هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیران شرکت‌های ایرانی تأثیر منفی و معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی دارد. گرایلی و رضائی پسته نوئی (۱۳۹۹) در مدل‌سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی دریافتند که قابلیت مقایسه حسابداری موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. علاوه بر این مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی، نتایج نشان می‌دهد که محیط اطلاعاتی رابطه منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را

تضعیف می‌کند. صدیقی (۱۳۹۹) در پژوهشی ارتباط بین کیفیت حسابرسی، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را بررسی نمود. نتایج پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و این رابطه با حضور حسابرس با کیفیت تشدید می‌گردد. همچنین بین کیفیت حسابرس و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. رابطه مستقیم و معناداری بین کیفیت حسابرس و مدیریت سود نیز مشاهده گردید. از این رو این نتیجه گرفته شد که انجام مدیریت سود و استفاده از حسابرس با کیفیت، هر یک به صورت جداگانه و توأمان با یکدیگر، منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. عباس‌زاده و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت‌مدیره از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با توجه به آزمون آماری پترونوستر یافت نشد.

### فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های پیشین فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شوند.
- فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه دوم: مالکیت دولتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه سوم: فرار مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه چهارم: مالکیت دولتی بر رابطه بین فرار مالیاتی و کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه پنجم: پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه ششم: مالکیت دولتی بر رابطه بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نتیجه اجرای پژوهش، کاربردی است زیرا نتایج حاصل از آن توسط طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر هدف پژوهش، تحلیلی و از نوع همبستگی است زیرا به موجب آن سعی می‌شود رابطه و تأثیر چند متغیر بر متغیر دیگر مورد بررسی قرار گیرد. از نظر زمان اجراء پژوهش، گذشته‌نگر است. زیرا اطلاعات مربوط به رویدادهای گذشته اعضای نمونه در آن استفاده شده است. از نظر منطق اجرای پژوهش،

استقرایی است. زیرا به موجب آن کوشش می‌شود تا براساس مشاهداتی محدود (نمونه) نتیجه را به کل جامعه تعمیم داد.

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر با استفاده از روش اسناد کاوی، از اطلاعات ارائه شده در سایت اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و صورت‌های مالی ارائه شده به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر منابع اطلاعاتی مرتبط مانند بانک اطلاعاتی تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین استفاده شده است.

### جامعه آماری

جامعه آماری مورد بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۷ می‌باشد همچنین به منظور اندازه‌گیری متغیرها از داده‌های سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸ استفاده شده است. با توجه به گستردگی حجم جامعه آماری و ناهمسانی میان اعضای جامعه، تعدادی از شرکت‌ها به عنوان نمونه انتخاب خواهند شد، بدین صورت که شرکت‌هایی که دارای شرایط و ویژگی‌های مورد نظر پژوهش (سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند هر سال باشد، کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در دسترس باشند، شرکت‌ها به طور کامل معاف از پرداخت مالیات نباشند، شرکت‌های نمونه جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک نباشند) انتخاب و مابقی نمونه‌ها براساس شرایط و محدودیت‌های اعمال شده برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و افزایش قدرت مقایسه و تعمیم نتایج نمونه به جامعه، براساس معیارهای مورد نظر زیر و به روش حذف سیستماتیک (غربالگری شرکت‌ها) کنار گذاشته شده‌اند. بنابراین تعداد ۱۹۰ شرکت (۱۹۰۰، سال-شرکت) به عنوان نمونه آماری پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### اندازه‌گیری متغیرها و مدل پژوهش

#### متغیر وابسته: کیفیت سود

هموارسازی سود، فرآیند دستکاری زمان شناسایی درآمدها یا درآمد گزارش شده است تا جریان سود گزارش شده، تغییر کمی داشته باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). از آنجایی که کیفیت سود باعث افزایش بازده در شرکت‌ها می‌شود، بنابراین هموارسازی سود به عنوان معیار

کیفیت سود به علت کاهش در نوسانات سود می‌تواند ریسک سهام را پایین آورده (ناگنی، ۲۰۰۱) و موجب افزایش بازده شود. از طرف دیگر، افزایش تطابق، انگیزه شرکت را برای هموارسازی سود افزایش می‌دهد. بنابراین در یک نظام مالیاتی پیشرفته، هموارسازی درآمد مشمول مالیات، بار مالیاتی شرکت‌ها را کمتر می‌کند. در نتیجه، تطابق باید به هموارسازی در اعداد حسابداری شرکت‌ها منجر شود (رحمانی و اربابی بهار، ۱۳۹۳). بدین منظور در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت سود از معیار هموارسازی سود بشرح رابطه (۱) استفاده شده است.

$$\text{Profit Smoothing}_{it} = \frac{6EBIT_{i,t-3}}{6CFO_{i,t-3}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در این رابطه: EBIT انحراف معیار سود عملیاتی، CFO انحراف معیار در جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت است و نهایتاً اینکه برای محاسبه انحراف معیار از اطلاعات سه سال گذشته نسبت به سالی جاری استفاده شده است. نسبت‌های کوچک‌تر بیانگر هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که امکان دستکاری در سود عملیاتی در مقایسه با جریان نقد عملیاتی بیشتر است. هر اندازه که انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموارسازی سود بیشتر بوده و در نتیجه، سودهای مربوطه از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود.

### متغیرهای مستقل

**اجتناب مالیاتی:** برای عملیاتی کردن این متغیر به پیروی از پژوهش لویز و گونزالس و همکاران (۲۰۱۹) از رابطه (۲) استفاده شده است:

$$\text{اجتناب از مالیات} = \frac{\text{کل مالیات نقدی پرداختی}}{\text{سود قبل از بهره و مالیات}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

مالیات پرداخت شده اشاره به مجموع مالیات ابرازی پرداختی توسط شرکت در ۳ سال گذشته می‌باشد. مزیت اصلی این معیار نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی سالیانه، ماهیت بلندمدت محاسباتی آن است که از بی‌ثباتی سال به سال در نرخ‌های مؤثر مالیاتی جلوگیری می‌کند.

**فرار مالیاتی:** برای عملیاتی کردن این متغیر مطابق قانون مالیات‌های مستقیم مؤدیانی که اظهارنامه آن‌ها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، در صورتی که سود مشمول مالیات تشخیص شده

توسط ممیزین مالیاتی با سود مشمول مالیات ابرازی آنها بیش از ۱۵٪ اختلاف داشته باشد، طبق ماده ۱۹۴ قانون مالیات‌های مستقیم مشمول جریمه خواهند بود. در این پژوهش میزان ۱۵٪ موضوع ماده ۱۹۴ ق.م.م به اشخاص حقوقی نیز تسری داده شده تا مبنایی برای قضاوت در مورد وجود یا نبود فرار مالیاتی برای شرکت‌های مورد آزمون فراهم آورد.

وجود یا عدم وجود فرار مالیاتی در یک واحد تجاری که بر طبق رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$\% \Delta = \left( \frac{Taxin - Accin}{Accin} \right) \times 100 \quad \text{رابطه (۳)}$$

$\% \Delta$ : درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات تشخیص شده توسط

ممیزین مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

ACCIN: سود مشمول مالیات ابرازی شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$ .

TAXIN: سود مشمول مالیات تشخیص شده توسط ممیزین مالیاتی شرکت  $i$  در پایان سال مالی  $t$ .

بنابراین طبق مفاد ماده ۱۹۴ ق.م.م در صورتی که سود مشمول مالیات تشخیص شده توسط ممیزین مالیاتی با سود مشمول مالیات ابرازی واحد تجاری بیش از ۱۵٪ اختلاف داشته باشد، به عنوان موارد فرار مالیاتی واحد تجاری در نظر گرفته خواهد شد.

**پایداری سود مالیاتی:** با عنایت به تئوری هزینه‌های سیاسی و با توجه به اینکه سود مشمول مالیات شرکت‌ها توجه دولت و سایر ذینفعان را به واحد اقتصادی جلب می‌نماید و این شناخت ممکن است موجب تحمیل هزینه‌های زیادی بر شرکت گردد بنابراین مدیران به منظور دوری از این احتمال، سود مشمول مالیات را با حداقل نوسان نسبت به سال‌های گذشته ابراز می‌نمایند؛ معمولاً پایداری سود مالیاتی بیانگر این موضوع است که چه مقدار یا چند درصد از سود مشمول مالیات سال جاری در سال بعد نیز پایدار خواهد ماند. پایداری سود مالیاتی با اعمال تغییراتی در مدل دیچو و همکاران (۲۰۱۰) در محاسبه پایداری سود، از رابطه (۴) به دست می‌آید.

$$EBIT_t = \alpha_0 + \alpha_1 EBIT_{t-1} + \lambda \quad \text{رابطه (۴)}$$

ضریب  $\alpha_1$  نشان‌دهنده پایداری سود مالیاتی است (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۴۳).

**متغیر تعدیلگر:** در این پژوهش متغیر نوع مالکیت به عنوان متغیر تعدیلگر استفاده شده است که بر این اساس شرکت‌های دولتی در ایران به موسساتی اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰٪ سهام آنها در اختیار دولت، ارگان‌ها یا نهادهای دولتی باشد که برای محاسبه این متغیر مجازی در

صورت وجود مالکیت دولتی (حداقل ۵۰ درصد سهام شرکت متعلق به دولت باشد) عدد ۱ و مالکیت غیر دولتی (سایر شرکت‌ها) عدد صفر اختیار می‌کند.

### متغیرهای کنترلی

در بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، عوامل دیگری نیز مؤثر هستند که در نظر نگرفتن آنها می‌تواند باعث نتیجه‌گیری نادرستی از پژوهش شود. در این پژوهش نیز علاوه بر عوامل اصلی پژوهش که به عنوان متغیر مستقل معرفی شده‌اند برخی عوامل جانبی که بر کیفیت سود ارائه شده شرکت‌ها مؤثر بوده‌اند به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده‌اند: جیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) و لویو و ژو (۲۰۰۶) متغیرهای اندازه شرکت (لگاریتم مجموع دارایی‌ها) و درجه اهرم مالی (نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها)، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) و سرانجام دستگیر (۱۳۹۵) بازده دارایی‌ها (از طریق تقسیم سود قبل از اقلام غیرعادی و غیرمرتبه بر کل دارایی‌ها در ابتدای سال) متغیرهای مؤثر بر کیفیت سود بوده که در این پژوهش به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده‌اند. به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی چندمتغیره (۱) استفاده شده است:

مدل (۱)

"Profit Smoothing<sub>it</sub>"

$$\begin{aligned} = & \beta_0 + \beta_1 \text{TaxAvoid}_{it} + \beta_2 \text{TaxEva}_{it} + \beta_3 \text{STE}_{it} \\ & + \beta_4 (\text{TaxAvoid}_{it} \times \text{OWN}_{it}) + \beta_5 (\text{TaxEva}_{it} \times \text{OWN}_{it}) \\ & + \beta_6 (\text{STE}_{it} \times \text{OWN}_{it}) + \beta_7 \text{SIZE}_{it} + \beta_8 \text{LEV}_{it} \\ & + \beta_9 \text{EMV}_{it} + \beta_{10} \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی پژوهش

در نگاره (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی می‌باشند را نشان می‌دهد، از معروف‌ترین شاخص‌های تمرکز می‌توان به میانگین (مرکز ثقل داده‌ها - برآیند مقادیر)، میانه (مقدار میانی در صورتی که داده‌ها به ترتیب قرار گیرند) که میانگین و میانه متغیر وابسته پژوهش به ترتیب ۰/۴۹ و ۰/۲۶ است. میانگین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی به ترتیب حدود ۲۱ و ۱۲ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵)، می‌توان گفت به طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با

سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. آمار توصیفی متغیر کیفی بیانگر این است که تعداد فراوانی نوع مالکیت ۱۲۷۶ مشاهده و درصد فراوانی آن ۶۷/۱۶ می‌باشد همچنین فراوانی نوع مالکیت سایر شرکت‌ها برابر ۶۲۴ مشاهده درصد و فراوانی ۳۲/۸۴ می‌باشد بنابراین می‌توان بیان کرد که ۶۷٪ از نمونه آماری تحت مالکیت دولتی بوده است.

#### تکرار (۱): آماره‌های توصیفی

بخش اول: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش						
متغیرهای کمی	مشاهدات	میانگین	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
کیفیت سود	۱۹۰۰	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۴۶	۰/۹۱	-۰/۳۳
فرار مالیاتی	۱۹۰۰	۰/۲۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۷۳	۰/۰۰۰
پایداری سود مالیاتی	۱۹۰۰	۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۱۹	۰/۸۹	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	۱۹۰۰	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۶۹	۰/۰۰۰۴
اهرم مالی	۱۹۰۰	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۲۵	۰/۷۶	۰/۰۱
اندازه شرکت	۱۹۰۰	۶/۱۴	۶/۰۵	۰/۶۹	۸/۱۴	۴/۳۵
بازده دارایی‌ها	۱۹۰۰	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۵۶	-۰/۱۶
لرزش بازار حقوق صاحبان سهام	۱۹۰۰	۱۲/۰۴	۱۱/۹۷	۰/۷۴	۱۴/۵۴	۱۰/۳۲
متغیر کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰		
نوع مالکیت	۱۲۷۶	۶۲۴	۶۷/۱۶	۳۲/۸۴		

#### نتایج آزمون انتخاب الگو مناسب برآورد مدل پژوهش

برای بررسی ناهمسانی واریانس در جهت استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به منظور برازش مدل پژوهش از آزمون وایت استفاده شده که نتایج حاصل بیانگر تأیید فرض صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس بوده است برآورد مدل با استفاده از روش OLS بدون تورش محسوب نمی‌شود، بنابراین بجای آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. روش (GLS) همان روش (OLS) می‌باشد که در آن فقط داده‌ها به گونه‌ای تبدیل می‌شوند تا فرضی که مورد نیاز روش حداقل معمولی مورد نیاز است تأمین شود روش (GLS) گاهی اوقات تحت عنوان روش حداقل مربعات وزنی معرفی می‌گردد زیرا در این روش جمع وزنی مجذور باقیمانده‌ها حداقل می‌شود در حالی که در روش (OLS) جمع غیر وزنی آنها حداقل می‌گردد.

در استفاده از داده‌های ترکیبی از مدل‌های مختلفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل‌ها شامل روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت، مدل اثر تصادفی، مدل رگرسیون به ظاهر نامرتب



و مدل داده‌های تلفیقی است. با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش به صورت ترکیبی هستند، جهت انتخاب مدل تحلیل داده‌های تابلویی یا تلفیقی از آزمون چاو استفاده شده است. فرض صفر این آزمون استفاده از روش تلفیقی و فرض مقابل و آن مبنی بر استفاده از داده‌های تابلویی است. نتایج آزمون دو مدل نشان می‌دهد، با توجه به آماره  $F$  همچنین معناداری آن، برآورد مدل‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی صورت می‌گیرد. برای بکارگیری تحلیل داده‌های تابلویی در برآورد رگرسیون از آزمون هاسمن برای انتخاب روش اثر ثابت یا تصادفی استفاده شده است که فرض صفر این آزمون مبنی بر استفاده از اثر تصادفی و فرض مقابل آن براساس اثر ثابت مطرح می‌گردد. نتایج این آزمون نیز با توجه به آماره کای دو و معناداری آن، بیانگر برآورد مدل‌های پژوهش با استفاده از اثر ثابت می‌باشد.

#### تکراه (۲): آزمون ناهمسانی واریانس

مدل مورد استفاده	ناهمسانی	Sig	آماره
GLS	ندارد	۰/۷۰۸	۰/۶۱۹
		۰/۶۱۴	۴/۱۲۹

#### تکراه (۳): آزمون $F$ لیمر

مدل	آماره $F$	سطح احتمال	روش پذیرفته شده
۱	۱۵/۲۱	۰/۰۰	داده‌های تابلویی

#### تکراه (۴): آزمون انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل

نتیجه نوع آزمون	آزمون هاسمن		فرضیه $H_0$	مدل
	p.v	Chi.sq		
داده‌های تابلویی با اثرات ثابت	۰/۰۰	۶/۹۱	یکسانی عرض از مبدأهای مقاطع	۱

### برازش مدل و بررسی فرضیه‌ها

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی پژوهش ارائه شده است. مقدار آماره  $F$  فیشر بیانگر معنی داری مدل رگرسیونی است. آماره دوربین - واتسون مدل (بین ۱/۵ تا ۲/۵) بیانگر عدم خودهمبستگی سریالی بین پسماندهای مدل است که وضعیت مناسبی را نشان می‌دهد. بنابراین

با توجه به برقراری فروض کلاسیک رگرسیون و نیز معناداری کل مدل رگرسیونی برازش، می‌توان فرضیه پژوهش را مورد بررسی قرار داد که نتایج حاصل از تخمین مدل به شرح نگاره (۵) می‌باشد:

نگاره (۵): برازش مدل پژوهش

"Profit Smoothing <sub>it</sub> " = $\beta_0 + \beta_1 \text{TaxAvoid}_{it} + \beta_2 \text{TaxEva}_{it} + \beta_3 \text{STE}_{it} + \beta_4 (\text{TaxAvoid}_{it} \times \text{OWN}_{it}) + \beta_5 (\text{TaxEva}_{it} \times \text{OWN}_{it}) + \beta_6 (\text{STE}_{it} \times \text{OWN}_{it}) + \beta_7 \text{SIZE}_{it} + \beta_8 \text{LEV}_{it} + \beta_9 \text{EMV}_{it} + \beta_{10} \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$				
VIF	p.v	t-static	ضریب	شرح
-	۰/۰۱	۲/۶۱	۰/۱۰	عرض از مبدا
۱/۱۱	۰/۰۰	-۴/۹۸	-۰/۱۱	فرار مالیاتی
۲/۰۹	۰/۰۰	۳/۰۱	۰/۰۷	نوع مالکیت × فرار مالیاتی
۱/۵۷	۰/۰۰	-۳/۳۲	-۰/۱۷	اجتناب مالیاتی
۱/۹۸	۰/۰۰	۵/۳۹	۰/۰۸	نوع مالکیت × اجتناب مالیاتی
۱/۰۲	۰/۰۰	-۴/۶۲	-۰/۰۹	پایداری سود مالیاتی
۱/۲۸	۰/۰۰	۳/۸۱	۰/۰۱۳	نوع مالکیت × پایداری سود مالیاتی
۱/۱۳	۰/۰۰	-۵/۴۹	۰/۱۴	اهرم مالی
۲/۰۳	۰/۰۰	۴/۰۸	۰/۱۹	اندازه شرکت
۱/۴۹	۰/۰۰	۴/۹۳	۰/۰۶	بازده دارایی‌ها
۱/۹۳	۰/۰۰	۳/۹۷	۰/۱۰	ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۰/۷۱	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )			
۱۶/۹۷	آماره F			
۰/۰۰۰	Prob			
۱/۹۲	آزمون دوربین - واتسن (D.W)			
۶۵۳/۱۰	آماره والد			
۰/۰۰۰	Sig			
۳/۷۹	آزمون سوبل (آماره z-value)			
۰/۰۰۱	سطح معناداری			

با توجه به مقدار آماره VIF (تورم واریانس) که شدت همخطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی ارزیابی می‌کند و در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. نتایج آزمون تورم واریانس با توجه به اینکه کل متغیرها آماره VIF مقدار زیر ۵ را نشان می‌دهند بنابراین زمانی که مقدار آماره کمتر از ۵ باشد (در برخی منابع ۱۰ ذکر شده است)،

شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد. جهت سنجش معناداری کل مدل به آماره فیشر استناد می‌شود که با توجه به اینکه آماره و سطح خطای مدل در سطح معناداری ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده می‌باشد. بنابراین، مدل پژوهش در کل معنی‌دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح و تبیین متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین-واتسن (حد نرمال بین ۱/۵-۲/۵) مبین این مطلب است که بین اجزا اختلال مدل، خود همبستگی سریالی وجود نداشته و نتایج حاصل از تخمین مدل با استفاده از رگرسیون، کاذب نیست.

جهت بررسی معنی‌داری متغیر میانجی (واسطه) در رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از آزمون سوپل استفاده شده است که با توجه به مقدار آماره آزمون بدست آمده ( $Z\text{-value} = ۳/۷۹$ ) که از مقدار استاندارد این آزمون ( $۱/۹۶$ ) بیشتر است نشان می‌دهد که فرض صفر (مبنی بر این که متغیر میانجی نقشی در میان رابطه متغیر مستقل و وابسته ندارد)، در سطح خطای ۰/۰۵ رد شده و تاثیر میانجی در این رابطه معنی‌دار است.

فرضیه اول: «اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد».

با توجه به نتایج برازش الگوی پژوهش (نگاره ۵) مقدار احتمال آماره  $t$  متغیر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه اول را که حاکی از تأثیر منفی و معنی‌دار اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود می‌باشد را نمی‌توان رد نمود. بنابراین به طور کلی شرکت‌هایی که درگیر پدیده اجتناب مالیاتی هستند از کیفیت سود کمتری برخوردار هستند.

فرضیه دوم: «مالکیت دولتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد».

ضریب برآوردی متغیر مستقل (مالکیت دولتی  $\times$  اجتناب مالیاتی در نگاره ۶) نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت (مستقیم) و معنادار بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی مالکیت دولتی در سطح خطای ۵٪ می‌باشد. به بیان دیگر مالکیت دولتی رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و کیفیت سود را تضعیف می‌نماید.

فرضیه سوم: «فرار مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد».

با توجه به مقدار احتمال آماره  $t$ ، متغیر فرار مالیاتی در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد با توجه به نتایج مذکور تأثیر منفی و معنادار فرار مالیاتی

بر کیفیت سود را نمی‌توان رد نمود. بنابراین وجود رویکرد وجود فرار مالیاتی کیفیت سود را با چالش مواجه می‌نماید.

فرضیه چهارم: «مالکیت دولتی بر رابطه بین فرار مالیاتی و کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد». ضریب برآوردی متغیر مستقل (مالکیت دولتی × فرار مالیاتی در نگاره ۵) نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین فرار مالیاتی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی نوع مالکیت در سطح خطای ۵٪ می‌باشد. به بیان دیگر مالکیت دولتی رابطه منفی بین فرار مالیاتی و کیفیت سود را تضعیف می‌کند.

فرضیه پنجم: «پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد».

با توجه به مقدار احتمال آمار  $t$ ، متغیر مستقل پایداری سود مالیات (نگاره ۵) در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با کیفیت سود دارد و براساس نتایج تأثیر منفی و معنی‌دار پایداری سود مالیاتی بر کیفیت سود را نمی‌توان رد نمود. بصورت کلی پایداری سود مالیاتی بیانگر استمرار و تکرار سود سال جاری با حداقل نوسان در سال‌های آتی است به عبارت دیگر سودهای پایدار قسمتی از سودهای موجود است که ماندگارند و ماندگاری آن‌ها ادامه می‌یابد و باتوجه به اینکه پایداری یا ثبات سودهای گزارش شده، تابعی از استانداردهای حسابداری، محیط عملیاتی و تاحدودی اهداف مدیریت واحد گزارشگری است. مدیران به منظور بالا نشان دادن ثبات عملکردی خود مجبور اعمال دستکاری و مدیریت در سود می‌نمایند که کیفیت سود گزارش شده را کاهش می‌دهد.

فرضیه ششم: «مالکیت دولتی بر رابطه بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود تأثیر معنی‌داری دارد».

ضریب برآوردی متغیر مستقل (مالکیت دولتی × پایداری سود مالیاتی در نگاره ۵) نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی نوع مالکیت در سطح خطای ۵٪ می‌باشد. به بیان دیگر مالکیت دولتی رابطه منفی بین پایداری سود مالیاتی و کیفیت سود را تضعیف می‌کند.

با توجه به اینکه سطح خطا بدست آمده برای آماره آزمون والد که کمتر از ۵٪ درصد می‌باشد، فرض برابری ضرایب تعدیلی رد شده و در نتیجه می‌توان گفت که از نظر آماری، متغیر تعدیلی باعث ایجاد تفاوت معناداری بر رابطه بین متغیرهای مستقل (فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی و پایداری سود مالیاتی) و کیفیت سود می‌شود.

### نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین منابع کسب درآمد دولت‌ها در سطح جهان وصول مالیات از منابع اشخاص حقوقی فعال در اقتصاد است، بنابراین شرکت‌ها نیز در جهت استفاده از منابع مالی خود و به منظور جلوگیری از خروج آنها به سیاست‌های گریز از پرداخت مالیات متوسل می‌شوند. با عنایت به شرایط خاص حاکم بر اقتصاد کشور ایران و نقش بی‌بدیل و حیاتی درآمدهای مالیاتی برای دولت و همچنین اجرایی شدن طرح جامع مالیاتی بر محوریت ریسک می‌توان انتظار داشت که روش‌های گریز از پرداخت مالیات، کیفیت سود گزارش شده را تحت تأثیر قرار دهند بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین سیاست‌های گریز از پرداخت مالیات شامل، اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی با نقش تعدیل‌کنندگی نوع مالکیت شرکت‌ها پرداخته است. نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان‌داد که روش‌های گریز از پرداخت مالیات (اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و پایداری سود مالیاتی) کیفیت سود گزارش شده را کاهش می‌دهد و این عوامل باعث کاهش قدرت اتکا به سود می‌شوند. این بدان معناست که مدیران با استفاده از روش‌های گریز از مالیات مبادرت به کاهش سود نموده و به اصطلاح سود را هموار می‌سازند، در حالی که با اعمال چنین روش‌هایی ضمن اینکه کیفیت سود را کاهش می‌دهند، جریان‌های نقد مربوطه را به دوره‌های بعد منتقل می‌کنند و اگر حساب‌رسان یا ممیزین دارایی قادر به کشف اثرات دستکاری ناشی از هموارسازی سود در آن دوره نشوند، در سال‌های بعد این اثرات در گزارشات مالی نمایان خواهد شد. همچنین نتایج نشان‌داد تعامل متغیر تعدیلی نوع مالکیت با متغیرهای گریز از مالیات باعث تضعیف روابط منفی هر یک از متغیرهای مذکور با کیفیت سود گردیده است. بنابراین چون از متغیر مالکیت دولتی به عنوان نوع مالکیت استفاده شد و از آنجایی که شرکت‌های دولتی به دلیل ماهیت مالکیت آنها و امکان استفاده از تسهیلات دولتی و به صورت کلی از پشتوانه استواری به عنوان دولت برخوردار هستند، کمتر خود را درگیر سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات در جهت کاهش مالیات پرداختنی می‌کنند، بنابراین تأثیر توانان مالکیت دولتی با سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات، شدت اثرات تعدیلی هموار کردن سود برای اهداف خاص گزارشگری کیفیت سود را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های بن‌کریم و همکاران (۲۰۲۰)، پریرا دی لیما و همکاران (۲۰۲۰)، صدیقی (۱۳۹۹) و غلامی کیان و فقیه (۱۳۹۶) همخوانی دارد، آنها نشان‌دادند

که اجتناب مالیاتی بر معیارهای کیفیت سود تأثیر منفی و معناداری دارد و همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ذرعی و پورعلی (۱۳۹۷)، اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی ندارد. همه این پژوهش‌ها نشان دادند که با افزایش اجتناب مالیاتی، مدیریت سود به عنوان یکی از معیارهای معکوس کیفیت سود افزایش می‌یابد.

این یافته‌ها می‌تواند توجه سرمایه‌گذاران را به تأثیر سیاست‌های گریز از پرداخت مالیات بر کاهش ویژگی‌های کیفی سود و همچنین سازمان بورس اوراق بهادار را به تدوین الزاماتی جهت افشای برنامه‌ها و رویه‌های مالیاتی شرکت‌ها با تأکید بر استاندارد ۳۵ حسابداری معطوف نماید. رویکرد سازمان امور مالیاتی جهت رویارویی با درآمدهای کتمان شده با قصد فرار از پرداخت مالیات، استفاده از روش‌های سنتی ممیزی می‌باشد. استفاده از این رویکرد زمانبر بوده و در بلندمدت موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش هزینه‌های وصول آن می‌شود. به سازمان امور مالیاتی کشور که متولی و مأمور وصول مالیات به منظور پرداخت هزینه‌های جاری و عمرانی دولت می‌باشد و در جهت کاهش وابستگی به منابع طبیعی و تحقق اهداف برنامه‌های پنجم و ششم توسعه کشور تلاش می‌نماید، پیشنهاد می‌شود به منظور جلوگیری از تضییع حقوق دولت نسبت به سیاست‌های تقلیلی اعمالی شرکت‌ها به منظور مدیریت کردن و یا کاهش و عدم پرداخت مالیات که از طریق انعطافات موجود در استانداردها و رویه‌های مورد عمل حسابداری صورت می‌پذیرد تمرکز و دقت بیشتری داشته باشد. همچنین به مودیان مالیاتی پیشنهاد می‌شود با توجه به اجرای ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳۱/تیر/۱۳۹۴ و بکارگیری موتور ریسک حسابرسی توسط سازمان امور مالیاتی کشور در جهت اعمال میزان ریسک حسابرسی، کیفیت سود گزارش شده مبنایی مناسب بر اعمال ریسک می‌باشد و در صورت پایین بودن کیفیت سود، نرخ موثر مالیاتی بیشتری بر شرکت‌ها تحمیل خواهد شد بنابراین نسبت به استفاده مدیران و تأکید آن‌ها بر روش‌های گریز مالیات حساسیت بیشتری داشته باشند. و به پژوهشگران محترم حوزه مالی و مالیاتی نیز پیشنهاد می‌گردد؛ با توجه به تأثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود گزارش شده و سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها و همچنین با توجه به الزام ماده ۲۷۲ ق.م.م بر حسابرسی سالانه، تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین روش‌های گریز از پرداخت مالیات و کیفیت سود مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

- اسلامی ذری، محمدجعفر؛ پورعلی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تأثیر محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی بر ابعاد کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، (۲)، ۲۲۰-۲۰۲.
- اسمعیلی، سعید؛ جبارزاده کنگرلوئی، سعید؛ متوسل، مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای اطلاعاتی سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه مالیات*، (۲۲)، ۱۳۳-۱۱۳.
- امیری، هادی؛ داریوش فروغی؛ قربانی، بهزاد. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت سود بر تغییرات بازده غیر متعارف، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۶(۲۳)، ۵۵-۳۶.
- پاک مرام، عسگر؛ مددی زاده، ابراهیم؛ بهنمون، یعقوب. (۱۳۹۳). تأثیر برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها بر عملکرد آنها در بازار. *پژوهشنامه مالیات*، (۲۲)، ۲۱۹-۲۰۱.
- رحمانی، علی؛ اربابی بهار، زهرا. (۱۳۹۳). رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با مدیریت سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۲)، ۸۳-۶۱.
- صدیقی، روح اله. (۱۳۹۹). کیفیت حسابرس، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ۱۸۶-۱۶۹.
- صفری گرایلی، مهدی؛ پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه مالیات*، (۳۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پینه نوئی، یاسر. (۱۳۹۹). مدل‌سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال دهم، (۳۸)، ۸۳-۱۱۱.
- عباس زاده، محمدرضا؛ مفتونیان، محسن؛ فدائی، مرتضی؛ بابائی کلاریجانی، مانده. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، (۱۰)، ۳۸-۴۹.
- عسکری، محمدرضا؛ عظیمی، نرگس. (۱۳۹۷). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، (۴)، ۱۹۱-۱۷۹.
- محمدی، نوده؛ کاکاعلی، فاضل؛ صومعه سرایی، مهرداد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هموارسازی سود بر اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری*، (۲)، ۲۴-۱۱.
- منصورفر، غلامرضا؛ غیور، فرزاد؛ عباسی مولان، بهزاد. (۱۳۹۷). رابطه بین مالیات جسورانه و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه مالیات*، (۲۶)، ۳۷-۱۹۷.
- مهرانی، ساسان؛ اسدی، قربان؛ گنجی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، (۱۱)، ۴۲-۱۱۵.

- ناظمی، امین؛ پورعقبا، محمدرضا. (۱۳۹۷). بررسی نقش نظارتی هیات مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۱۸(۵)، ۸۳-۱۰۶.
- Abbaszadeh, M., Maftounian, M., Fadaei, M., Babaei Kelarijani, M. (2020). Effects of Corporate Governance and Management Overconfidence on Tax Avoidance of Firms in the Life-cycle Stages. *Empirical Research in Accounting*, 10(4), 49-81. doi: 10.22051/jera.2018.19875.2004. (in Persian)
- Amiri, H., Foroughi, D., Ghorbani B. (2014). The Effect of Earning Quality on Idiosyncratic Return Volatility. *Accounting and Auditing Research*, 6 (23), pp. 55-36. (In Persian).
- Arbabi bahar, Z., rahmani, A. (2014). The Association between Book-Tax Difference And Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 4(2), 61-83. doi: 10.22051/jera.2014.618. (in Persian)
- Askari, M., Azimi, N. (2018). Relationship between the quality of corporate governance, board remuneration and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies*, Volume 4, Number 1, pp. 191-179. (In Persian)
- Benkraiem, R., Gaaya, S. & Lakhali, F. (2020). Cross-Country Evidence on Earnings Quality and Corporate Tax Avoidance: The Moderating Role of Legal Institutions. *Economics Bulletin*, AccessEcon, vol. 40(2):1714-1726.
- Dechow, P., Ge, W., Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 42: 132-150.
- Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration. *Cambridge University Press*, New York, 345-383.
- Dyregang, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2014). Rolling the Dice: When Does Tax Avoidance Result in Tax Uncertainty. Working paper, Duke University, *Massachusetts Institute of Technology*, and The University of North Carolina.
- Esmaeeli, S., Jabbarzade Kangarlouee S., Motavassel M. (2015). The Investigation of the Taxable income Smoothing Relationship with Tax Avoidance and Information Content of TaxabTehran Stock Exchange Listed Companiesle Income in . *J Tax Res.* 2015; 22 (24). (In Persian).
- Hamedian, H., Rahdarian, A. and Kavyani, M. (2014). Information Content of Income, Tax Avoidance and Taxable Income Management. *Accountancy Business and the Public Interest*, vol 13, pp. 1-21.
- Hutchens, M., and Rego, S. O. (2015). Tax Risk and the Cost of Equity Capital. Working paper, Indiana University Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6, 53-74.
- Islami, M., Pourali, M. (2020). The effect of conservatism and tax avoidance on the dimensions of profit quality in "companies" listed on the Tehran Stock Exchange. *New research approaches in management and accounting*, Volume (2), Number (6), pp. 220-202. (In Persian)



- Kurniasih, L., Sulardi and Suranta, Sri. (2015) Earnings Management, Corporate Governance and Tax Avoidance: The Case in Indonesia (December 9, 2017). *J. Fin. Bank. Review* 2 (4) 28 – 35 (2017).
- Lanis, R., Richardson, G., (2012). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (1), 86-108.
- Mansourfar, Gholamreza; Ghayyur, Farzad and Abbasi Molan, Behzad. (2018). The Relationship between Tax Aggressiveness and Financial Leverage of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *J Tax Res.* 2018; 26 (37) :173-197 URL: <http://taxjournal.ir/article-1-1381-fa.html>. (in Persian)
- McGuire, S. T., S. S Neuman and T. C. Omer. (2012). Through the Looking Glass: Are Sustainable Tax Strategies Reflected in Earnings Persistence? Available at: <http://ssrn.com/abstract=1950378>.
- Mehrani, S., Asadi, Gh., Ganji, H. (2014). The relationship between earnings quality, earnings smoothing and stock risk. *Empirical Studies in Financial Accounting*, Volume 11, Number 42, pp. 137-115.
- Mohammadi, N. Kakaali, F, Soomesarai, M. (2019). Investigating the Impact of Profit Smoothing on Tax Avoidance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Applied Research in Management and Accounting*, Volume 2, pp. 11-24. (In Persian)
- PakMaram, A., Madadzadeh, E., Behnamoon, Y. The Effect of Tax Planning on Firms Market Performance. *Tax Research Journal*; Volume 22, Number 24, pp. 219-201. (In Persian)
- Richardson, S., Sloan, R., Soliman, M. and Tuna, I. (2006). The implications of accounting distortions and growth for accruals and profitability. *The Accounting Review*, Vol. 81 No. 3, pp. 713-743. Revsine, L., Collins, D. and Johnson, W.B. (1999). *Financial Reporting and Analysis*, Prentice Hall. Upper Saddle River, NJ.
- Safari gerayli, M., Rezaei Pitenoei, Y. (2020). Moderating Effect of Information Environment on the Relation between Accounting Comparability and Tax Avoidance. *Empirical Research in Accounting*, 10(4), 83-111. doi: 10.22051/jera.2018.20829.2065. (in persian)
- Safari Graili, M., Pudineh, Sh.(2015). Tax avoidance and timely declaration of profits: An experimental test of the Tehran Stock Exchange, *Tax Research Journal*, No. 31, pp. 118-101. (in Persian).
- Seddighi, R. (2020). Auditor Quality, Earning Management and Tax Avoidance. *Accounting and Auditing Research*, 12(46), 169-186. doi: 10.22034/iaar.2020.112787. (In Persian)
- Pereira de Lima, E. J., da Cruz, P. and Martinez, A. L. (2020). The Study of Tax Aggressiveness and Earnings Persistence and its Components. *New Challenges in Accounting and Finance*, (4)1–16.
- Richardson, G., Wang, B. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of contemporary Accounting and Economics*, 12(2). 141-158.
- Sebrina, N., Helmayunita, N., Karinda, W. D. (2019). The Influence of Tax Avoidance Modified by Corporate Governance on Earnings Management, *Advances in Economics. Business and Management Research*, volume 64, 59-66.